

Judicial Divergence in Tehran Courts Regarding the Obligation to Register Checks in the SAYYAD System: A Doctrinal and Procedural Analysis

 **Abbas Karimi**

Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
Email: abkarimi@ut.ac.ir

 **Mohammad Javad Darvishzadeh**

Researcher at the Iranian Law and Legal Research Institute, and Master of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Email: mj.darvishzadeh.k@gmail.com
.k@gmail.com



Abstract

With the approval of Repeated Article 21 of the Check Issuance Law and the requirement to register check information in the Sayyad system, the legal form and process of drawing checks in Iran changed. Following this development, in recent years, numerous claims have been filed in the courts of Tehran province with the seeking such relief as "obliging the drawer to register checks in the Sayyad system." These claims have been met with different and conflicting responses from the courts of first instance and appeals; so that some courts have rendered a judgment requiring to register, accepting the principle of the admissibility of this claim and relying on implied obligations or customary requirements in transactional relationships, while others have dismissed the claim, relying on the lack of a binding

Journal of Critical Analysis of
Judicial Decisions

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 4 | No. 7 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

www.Analysis.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/analysis.2025.728261

legal basis and the specific nature of the registration process in the system. The present study, with an analytical-descriptive approach, while examining the legal structure of unregistered checks, deals with a substantive and procedural analysis of the proposed claim, and seeks to delineate the relationship of this claim to other similar institutions, including the requirement to draw up a notarial deed, by evaluating the legal arguments contained in judicial decisions. Finally, the consequences of accepting or dismissing this claim on the legal security of transactions, economic order, and the efficiency of the Sayyad system are evaluated. The findings of the present study indicate that a check not registered in the Sayyad system has the nature of a private deed not a commercial instrument, and dismissing such a claim is more consistent with procedural and substantive legal foundations, principles of civil procedure, and a coherent legislative structure, and is considered a more desirable option for maintaining the legal validity of commercial instruments, transparency of proceedings, and the proper functioning of the banking system.

Keywords: Judicial Precedent, Commercial Instrument, Private Deed, Checks, Check Issuance Law, Sayyad System.



واکاوی آراء دادگاه های دادگستری استان تهران در خصوص الزام به ثبت چک در سامانه صیاد

استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: abkarimi@ut.ac.ir

عباس کریمی



پژوهشگر پژوهشکده حقوق و قانون ایران و کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: mj.darvishzadeh.k@gmail.com

محمد جواد

درویشزاده



دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۴ | شماره ۷ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.Analysis.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/analysis.2025.728261

چکیده

با تصویب ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک و الزام به ثبت اطلاعات چک در سامانه صیاد، شکل و فرآیند حقوقی صدور چک در ایران دگرگون شد. در پی این تحول، در سالهای اخیر، دعاوی متعددی با خواسته هایی نظیر «الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد» در محاکم دادگستری استان تهران اقامه شده است. این دعاوی با واکنشهای متفاوت و متعارض از سوی دادگاههای بدوی و تجدیدنظر مواجه شده اند؛ به نحوی که برخی دادگاهها با پذیرش اصل قابلیت استماع این خواسته و با استناد به تعهدات ضمنی یا لوازم عرفی در روابط معاملاتی، حکم به ثبت صادر کرده اند، در حالی که برخی دیگر با استناد به فقدان مبنای قانونی الزام آور و ماهیت خاص فرآیند ثبت در سامانه، دعوارا رد کرده اند. پژوهش حاضر، با رویکردی تحلیلی - توصیفی، ضمن بررسی ساختار حقوقی چک ثبت نشده، به تحلیل ماهوی و آیینی دعاوی

مطروحه می‌پردازد و تلاش می‌کند با ارزیابی استدلالهای حقوقی موجود در آراء قضایی، نسبت این دعوا را با سایر نهادهای مشابه، از جمله الزام به تنظیم سند رسمی، تبیین کند. در نهایت، پی‌آمدهای پذیرش یا رد این دعوا بر امنیت حقوقی معاملات، نظم اقتصادی و کارآمدی سامانه صیاد ارزیابی می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر آن است که چک ثبت نشده در سامانه صیاد، واجد ماهیت سندی مدنی است و رد چنین دعوایی با مبانی حقوقی شکلی و ماهوی، اصول آیین دادرسی مدنی و ساختار منسجم قانون‌گذاری، سازگارتر است و برای حفظ اعتبار حقوقی اسناد تجاری، شفافیت دادرسی و کارکرد صحیح نظام بانکی، گزینه ای مطلوب‌تر محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رویه قضایی، سند تجاری، سند مدنی، چک، قانون

صدور چک، سامانه صیاد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تحولات حقوقی در قلمرو اسناد تجاری در دهه اخیر، بویژه در زمینه چک، حاکی از تغییر روی کرد قانون گذار نسبت به جایگاه، کارکرد و الزامات این ابزار مالی در نظام حقوقی ایران است. اصلاحیه قانون صدور چک در سال های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ قانون گذاری در این حوزه، ضمن دگرگونی قواعد ماهوی و شکلی چک، با تکیه بر فناوریهای نوین مالی، نظامی تازه به نام «سامانه صیاد» را به منظور ثبت، ره گیری و کنترل فرآیند صدور و انتقال چک، نهادینه کرد. بر اساس این اصلاحیه، از ابتدای سال ۱۴۰۰، صدور و انتقال چک مستلزم ثبت در سامانه صیاد اعلام شد؛ و مقرر شد که چکهای فاقد ثبت، مشمول مقررات قانون صدور چک نخواهد بود.

این تغییرات، اگرچه در راستای افزایش شفافیت اقتصادی، کاهش جعل و سوءاستفاده از ابزار چک، و مقابله با فرار مالیاتی طراحی شده اند، اما در عمل، با چالشهایی در عرصه حقوقی و قضایی مواجه شدند. یکی از مهم ترین این چالشها، ناظر به ماهیت چک ثبت نشده و قابلیت استماع دعوای الزام صادرکننده چک به ثبت آن در سامانه صیاد است؛ به گونه ای که در برخی دعاوی، دارنده چک فاقد ثبت، به جای طرح دعوای مطالبه وجه یا رسیدگی به ماهیت تعهد، خواهان الزام صادرکننده به ثبت چک شده و از دادگاه درخواست کرده است که مقدمات بهره مندی از مزایای قانونی چک به عنوان یک سند تجاری را از طریق اجبار خواننده به آن جام تشریفات سامانه ای، فراهم آورد.

در مواجهه با این نوع دعاوی، رویه قضایی دادگاههای عمومی، دچار تشتت و دوگانگی آشکار شده است. شماری از شعب، دعوای الزام به ثبت را قابل استماع دانسته اند و ثبت چک را به عنوان تعهدی تبعی یا ضمنی از ناحیه صادرکننده پذیرفته اند. در مقابل، دسته ای دیگر از محاکم دعوای مزبور را فاقد مبنای قانونی دانسته و آن را غیرقابل استماع تشخیص داده اند و از صدور حکم در ماهیت امتناع کرده اند.

اگرچه این اختلاف نظر از حیث نظری و تئوریک محل بحث است، اما آثار عملی آن بر تضمین حقوق طرفین دعوا، انسجام رویه قضایی و کارکرد اسناد مالی در مبادلات روزمره، قابل توجه و نیازمند واکاوی است؛ چرا که می تواند تبعاتی ملموس برای امنیت حقوقی

روابط معاملاتی، هماهنگی در رسیدگیهای قضایی و جایگاه چک در نظام تبادلات مالی به دنبال داشته باشد. علاوه بر این، پذیرش یا رد دعوای الزام به ثبت، مستقیماً با تشخیص ماهیت حقوقی چک فاقد ثبت مرتبط است. چنان‌که اگر این برگه صرفاً یک سند مدنی تلقی شود، علاوه بر محرومیت از امتیازات اسناد تجاری، هرگونه الزام به ثبت آن نیز فاقد توجیه حقوقی است، زیرا امری که در ذات فاقد اعتبار است، نمی‌تواند محل الزام قضایی قرار گیرد.

در مقاله حاضر، با تمرکز بر اصول دادرسی، مبانی شکلی اسناد، و اهداف قانون‌گذار در اصلاحیه ۱۳۹۷ قانون صدور چک، تلاش خواهد شد تا با تحلیل ماهیت چک فاقد ثبت در سامانه صیاد، مشخص شود که آیا چنین برگه‌ای می‌تواند واجد وصف سند تجاری باشد یا نه؟ و در نتیجه، آیا طرح دعوای الزام به ثبت آن مستند به مبنای قانونی معتبری است یا خیر؟ این بررسی ناظر بر آن است که استماع این‌گونه دعاوی از سوی محاکم، چه نسبت و تأثیری با ساختارهای الزام آور قانونی، تشریفات مقرر در فرآیند صدور چک و فلسفه وجودی سامانه صیاد خواهد داشت.

بدین منظور، مقاله حاضر در چهار بخش اصلی سامان یافته است. بخش نخست به بررسی ماهیت حقوقی چکهای فاقد ثبت در سامانه صیاد از منظر قواعد عام حقوق مدنی و تجاری اختصاص دارد. در بخش دوم، عمل ثبت در سامانه صیاد از جنبه آیینی و تشریفاتی تحلیل می‌شود. بخش سوم به تبیین جایگاه دعوای الزام به ثبت چک در مقایسه با نهادهای مشابه در حقوق ایران می‌پردازد. در بخش پایانی نیز آثار حقوقی ناشی از پذیرش یا رد این دعوا بر نظام دادرسی، معاملات تجاری و سازوکار بانکی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مفاهیم و اصطلاحات پایه

۱-۱- سند تجاری

«سند تجاری» دارای دو کاربرد مفهومی متفاوت است: یکی در معنای عام و دیگری در معنای خاص. در معنای عام، اسناد تجاری به کلیه اسنادی اطلاق می‌شود که در بستر فعالیتهای بازرگانی و در چارچوب روابط مالی میان تجار یا بنگاههای اقتصادی رد و بدل

می شود. از جمله مصادیق این گروه می توان به اسکناس، اوراق قرضه، اسناد خزانه، قبوض انبار عمومی، سهام شرکتهای تجاری و سایر ابزارهای مالی با کارکرد تجاری اشاره کرد. (شمس، ۱۳۸۹، ۹۳) در مقابل، تعاریف متعددی از سند تجاری به معنای خاص ارائه شده است؛ برخی آن را این گونه تعریف کرده اند که «سندی قابل معامله و قابل نقل و انتقال است که به نفع دارنده آن معرف طلبی پولی عندالمطالبه یا در سررسید کوتاه مدت است. این نوع اسناد که اصولاً به عنوان «وسیله پرداخت» به کار می روند، معمولاً میان تجار و در معاملات تجاری مورد استفاده قرار می گیرند.» (عبدی پور، ۱۳۹۵، ۲۵) همچنین در تعریف دیگری چنین آمده که سند تجاری به اسنادی اطلاق می شود که متضمن دستور پرداخت مبلغ معین در زمان مشخص به شخص دیگری باشند. این اسناد که شامل برات، سفته و چک است، به عنوان ابزارهایی مستقل در نظم حقوقی معرفی شده اند و جایگاه ویژه ای در تنظیم تعهدات پولی دارند. (داراب پور، ۱۳۹۱، ۲۲۵) البته این تعریف از سند تجاری به معنای اخص، قابل مناقشه است؛ زیرا مانع اغیار نیست و می تواند شامل حواله مدنی نیز بشود، مانند زمانی که شخصی به صورت دستخط به دیگری دستور می دهد در موعد معین، پرداختی به شخص ثالث آن جام دهد. از این رو، بهتر است در تعریف تصریح شود که این اسناد باید توسط قوانین تجاری تنظیم و مقرر شده و واجد ویژگیهای خاص پیش بینی شده در همان قوانین باشند و شمول آنها منوط به شناسایی در نظام تقنینی تجاری است. همچنین، ضرورت درج تاریخ در این اسناد نیز محل بحث است که آیا چک سفیدامضا، چه دارای تاریخ معین باشد و چه نباشد، همچنان سند تجاری محسوب می شود یا خیر؟^۱ با این حال، بررسی تفصیلی این موضوع خارج از بحث حاضر است.

از ویژگیهای بارز این اسناد، مسؤولیت تضامنی میان امضاکنندگان آنهاست؛ بدین معنا که دارنده سند می تواند برای وصول وجه به هر یک از صادرکننده، ظهرنویس یا ضامن مراجعه کند و مسؤولیت این اشخاص در برابر دارنده مستقل از یکدیگر خواهد بود. همچنین،

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به شهیدی، مهدی (۱۳۴۶)، بحثی درباره چک بدون تاریخ، مجله کانون وکلا، شماره ۱۰۷ و همچنین نیک فرجام، کمال (۱۳۸۰) چک سفید امضا و ماهیت حقوقی آن، دیدگاههای

دفاعیهایی که متعهدان سند ممکن است در برابر دارنده مطرح سازند، در بسیاری از موارد قابل استماع نیست، بویژه زمانی که سند در اختیار دارنده با حسن نیت قرار گرفته باشد. این ویژگیها به صورت همافزا موجب اعتبار، قابلیت گردش و سهولت در اجرای اسناد تجاری در معنای خاص شده‌اند. (صادقی نشاط، ۱۳۹۴، ۹۶)

۲-۱- سند مدنی

اصطلاح «سند مدنی» در نظام حقوقی ایران، با اتکا به ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، به هر نوشته‌ای اطلاق می‌شود که در مقام دعوای یا دفاع، قابلیت استناد داشته باشد. با این حال، بر تعریف مزبور ایراداتی وارد شده است؛ نخست آن که اطلاق گسترده آن می‌تواند ادله حکمی، از جمله متون قوانین منتشرشده در روزنامه رسمی، را نیز دربر گیرد، زیرا این متون نیز «نوشته» بوده و در جریان دعوای مورد استناد قرار می‌گیرند، حال آن که ادله حکمی اساساً موضوع ادله اثبات دعوا محسوب نمی‌شوند. ثانیاً، تعریف یادشده قابلیت استناد سند را صرفاً در مقام دعوا یا دفاع مفروض گرفته است، در حالی که دلیلیت یک نوشته محدود به اقامه دعوا نیست و هرگاه واجد محتوای اثباتی باشد، فارغ از آن که در دعوای خاصی مورد استناد قرار گیرد یا نه، می‌تواند دلیل محسوب شود. برای رفع این ایرادات، به نظر می‌رسد تعریف دقیق تر سند آن باشد که «نوشته‌ای است حاوی دلیل اثبات موضوعی حق». قید «حاوی» دلالت بر آن دارد که سند به خودی خود دلیل نیست، بلکه محتوای آن نقش دلیل را ایفا می‌کند. همچنین قید «موضوعی» بیانگر این است که مفاد سند باید ناظر بر وجود حقی در عالم خارج باشد، نه حکم آن؛ بدین ترتیب، دلایل حکمی از شمول تعریف خارج می‌شود. بر پایه این برداشت، تحقق سند اثباتی مستلزم وجود دو رکن است: نخست رکن شکلی (نوشته بودن) و دوم رکن ماهوی (قابلیت استناد). (کریمی، ۱۳۹۱، ۱۲۴ و ۱۲۵) همچنین بر اساس نظر دکترین در این ماده، شرط اساسی برای آن که یک نوشته به عنوان سند قابل پذیرش باشد، وجود امضا در آن است؛ امضایی که دلالت بر تصدیق مفاد مندرج در سند و التزام به تعهدات ناشی از آن دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۷۸) با این حال، در خصوص اعتبار سند مدنی در منابع اسلامی و فقه امامیه، میان فقها و حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. از یک سو، برخی با استناد به آیه شریفه ۲۸۲ سوره

مبارکه بقره که بر کتابت دین و لزوم نگارش معاملات دلالت دارد، معتقدند که سند، تنها زمانی می تواند مفید حکم آیه باشد که واجد اعتبار باشد و به عنوان دلیل اثباتی پذیرفته شود. (ارسطا، ۱۳۸۷، ۷۵) از سوی دیگر، دیدگاه مخالف، که به قول مشهور در میان فقهای امامیه نسبت داده می شود، بر این باور است که سند، فی نفسه دللیت ندارد و تنها در صورتی معتبر تلقی می شود که قرائنی بر صحت آن وجود داشته باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰، ۲۴۹) به عبارت دیگر سند، در فقه امامیه در شمار ادله ذکر نشده است و بر همین اساس تعریفی نیز از آن صورت نگرفته است. (استا و احمدی، ۱۴۰۳، ۱۳) با این توضیحات، باید توجه داشت که تعریف عام «سند» در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، به نحو منطقی شامل اسناد تجاری نیز می شود؛ با این تفاوت که در اصطلاح نویسندگان، هنگامی که از «سند مدنی» سخن می گویند، مقصود آن دسته از اسنادی است که واجد شرایط و اوصاف اسناد تجاری نبوده و خارج از شمول مقررات خاص قانون تجارت قرار می گیرند. بنابراین، مفهوم اخص سند مدنی را می توان شامل مفهوم اعم سند تجاری دانست؛ به نحوی که هر سندی که تجاری محسوب نشود، در این معنای اخص، در زمره اسناد مدنی جای می گیرد.

۱-۳- چک صیادی

چک صیادی نوعی از چک عادی است که در بستر سامانه صیاد (سامانه صدور یکپارچه دسته چک) و تحت نظارت مستقیم بانک مرکزی صادر می شود. این سامانه با هدف افزایش شفافیت، اعتبارسنجی دقیق متقاضیان، یکسان سازی فرمت چکها، و ارتقای امنیت صدور و وصول چک طراحی شد و از سال ۱۳۹۶ به طور رسمی راه اندازی شد. پیش از آن، صدور دسته چکها توسط هر بانک به صورت مستقل آن جام می شد و فرم، رنگ و شیوه بررسی صلاحیت متقاضی، وحدت رویه نداشت. با اجرای صیاد، بانک مرکزی مسئول اعتبارسنجی نهایی متقاضی از طریق سامانه های هویتی مانند "نهاب" شد و تنها در صورت تأیید شرایط قانونی (از جمله نداشتن سابقه چک برگشتی بدون رفع سوء اثر)، شناسه های یکتا برای هر برگ چک صادر می کند.

چکهای صیادی جدید که از ابتدای سال ۱۴۰۰ جای گزین چکهای قبلی شده‌اند، ضمن تفاوت از نظر ظاهری (رنگ صورتی، بارکد دوبعدی، شناسه ۱۴ رقمی و عبارت تأکیدی ثبت در سامانه) با چکهای قدیمی، از حیث صدور، انتقال و وصول آنها مشروط به ثبت اطلاعات در سامانه صیاد است. مطابق ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، بانکها تنها زمانی مجاز به کارسازی این چکها هستند که کلیه مراحل ثبت (اعم از صدور، تأیید و انتقال) به صورت الکترونیکی آن جام شده باشد. (مرادی، نوری، ۱۴۰۱، ۱۱)

۲- بازخوانی رویه قضایی متعارض در محاکم دادگستری تهران

پس از اجرای ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک و الزامی شدن ثبت اطلاعات چک در سامانه صیاد، موجی از دعاوی جدید در محاکم حقوقی به جریان افتاده است که در آن، خواهان با استناد به تحویل فیزیکی چک و امتناع صادرکننده از ثبت، خواستار صدور حکم «الزام به ثبت چک در سامانه صیاد» می‌شود. از آن جا که این دعا پیش از این در رویه قضایی سابقه نداشته و قانون نیز حکم صریحی درباره قابلیت استماع آن ارائه نکرده است، محاکم در برخورد با این خواسته به نتایج متفاوت و متضادی رسیده‌اند.

نکته قابل توجه آن است که این اختلاف صرفاً محدود به مرحله بدوی نیست، بلکه در مرحله تجدیدنظر نیز ادامه یافته و در شعب مختلف دادگاه تجدیدنظر استان تهران، آرائی با استدلالهایی کاملاً متعارض صادر شده است. به همین دلیل، این وضعیت به یکی از مصادیق بارز «تعارض در رویه قضایی» تبدیل شده که آثار آن مستقیماً بر حقوق اصحاب دعا و امنیت قضایی مؤثر است.

در ادامه، دو دسته کلی از آراء صادر شده در محاکم دادگستری استان تهران پیرامون دعاوی «الزام به ثبت چک در سامانه صیاد» مورد بررسی قرار می‌گیرد. دسته نخست شامل آن گروه از دادگاههایی است که قابلیت استماع این دعا را پذیرفته و با اتکا به مبانی خاص، حکم به الزام صادرکننده صادر کرده‌اند. در مقابل، دسته دوم را محاکمی تشکیل می‌دهند که با استناد به اصول شکلی دادرسی، طرح چنین دعوایی را فاقد وجهت قانونی دانسته و قرار عدم استماع یا رد دعا صادر کرده‌اند.

با توجه به گستردگی آراء صادر شده در این خصوص، و تنوع استدلالهای مطرح شده، امکان ارائه و تحلیل همه مصادیق در این مقاله وجود ندارد. بنابراین، تلاش شده که نمونه هایی از هر دسته انتخاب شده و به منظور نشان دادن الگوهای استدلالی متفاوت، مورد بازخوانی و بررسی قرار گیرند.^۱ این نمونه ها حاکی از آن است که رویه واحدی در محاکم قضایی نسبت به این موضوع شکل نگرفته و اختلاف برداشتها در سطح قابل توجهی استمرار دارد. نمونه هایی از این دیدگاهها در ادامه خواهد آمد و تحلیل دقیق تر آنها در بخش بعدی مقاله صورت خواهد گرفت. همچنین لازم به ذکر است که به دلیل طولانی بودن متن دادنامه ها، صرفاً بخشهای مهم و مرتبط با موضوع درج شده و استفاده از علامت «...» در متن، نشان دهنده تقطیع دادنامه اصلی است.

۱-۲- آراء موافق با قابلیت استماع دعوای الزام به ثبت چک

برخی محاکم با پذیرش دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، آن را در زمره دعوای مبتنی بر تعهد عرفی یا ضمنی در قالب قرارداد صدور چک دانسته اند. به اعتقاد این دادگاهها، هنگامی که صادرکننده چکی را به دارنده تحویل می دهد، به طور ضمنی متعهد به فراهم آوردن شرایط قانونی برای قابل وصول شدن آن نیز هست. بر همین اساس، اگر

^۱ برای مشاهده نمونه های بیشتر از آراء قضایی و نشریات مشورتی، نک. به:

دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۵۴۰۱۷۳۵ مورخ ۲۸ مهر ۱۴۰۳ صادره از شعبه ۱۰۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛

دادنامه شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۵۹۱۹۴۲۵ مورخ ۸ تیر ۱۴۰۴ صادره از شعبه ۹۷ مجتمع قضایی عدالت؛

نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۰۵۰ مورخ ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه

نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۲۶۱ مورخ ۴ شهریور ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه؛

نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۹۱۵ مورخ ۲۳ آذر ۱۴۰۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه؛

نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۸۵۷ مورخ ۱۸ بهمن ۱۴۰۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه؛

نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۹۷۰ مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه؛

نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۰۰۹ مورخ ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه؛

نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۷۵۳ مورخ ۱۶ دی ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه.

قانون‌گذار ثبت در سامانه را شرط اعتبار و قابلیت وصول چک قرار داده، صادرکننده نمی‌تواند از آن جام این اقدام خودداری کرده و در عین حال، دارنده را از امکان بهره‌برداری از چک محروم سازد.

برخی استنادات نیز ناظر بر اصل حسن نیت در اجرای تعهدات، قاعده فقهی لاضرر، و ملاک ماده ۱۰ قانون مدنی است که هرگونه توافق مشروع و الزام آور میان اشخاص را معتبر می‌داند. در تحلیل این آراء، این نکته مورد تاکید قرار گرفته که خودداری از ثبت اطلاعات چک، علاوه بر این که با تعهد ضمنی ناشی از تحویل برگه چک مخالف است، بلکه سوءاستفاده از خلا قانونی برای فرار از تعهد تلقی می‌شود.

۱-۱-۲- نمونه اول

نمونه اول مربوط است به دادنامه شماره ۱۳۰۰ - ۱۴۰۳/۲/۴ - شعبه ۱۵ دادگاه عمومی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران:

«... دعوی خواهان به جهات ذیل موجه و قابل پذیرش است ۱- تعهد ضمنی خواندگان برای ثبت چک در سامانه صیاد چرا که طبق عرف رایج در معاملات چک باید به گونه‌ای تنظیم و صادر شود که قابل وصول باشد و تمام امتیازات چک را داشته باشد چرا که در غیر این صورت اغلب مردم از تحویل گرفتن چک امتناع کرده و چه بسا در صورت آگاهی از تبعات امر از آن جام معامله خودداری می‌کنند. ۲- در اغلب موارد صدور چک، صادرکننده تعهد صریح بر ثبت چک می‌کند لیکن غالباً این تعهد شفاهی است و اثبات آن برای دارنده چک ممکن است مشکل باشد و در مانحن فیه نیز وکیل خواهان در جلسه دادرسی مدعی تعهد شفاهی خواندگان به ثبت چکها شده است ۳- برخلاف برخی از نظرها در دکترین حقوقی که الزام به ثبت چک را بی فایده دانسته و طرح دعوی مطالبه وجه چک ثبت نشده را توصیه می‌کنند بایستی دقت کرد که اصل بر آزادی اختیار و اراده اشخاص در انتخاب نوع دعوا بوده و اصل بر قابل استماع بودن دعوی بوده و نمی‌توان اختیار اشخاص را نادیده گرفت از سوی دیگر استماع دعوی الزام به ثبت چک در سامانه صیاد آثار قابل توجهی دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد ۱- امکان برگشت زدن چک و تحمیل محرومیت‌های مذکور در قانونی قانون چک به صادرکننده چک و وادار ساختن او به تکاپو

جهت رفع محرومیتها و سازش با دارنده چک ۲- امکان اخذ قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی ۳- امکان اخذ اجرائیه بدون محاکمه موضوع ماده ۲۳ قانون چک بدون پرداخت هزینه دادرسی قابل توجه ۴- امکان محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک از تاریخ چک تا زمان وصول ۵- امکان محکوم کردن تضامنی نماینده شخص حقوقی طبق ماده ۱۹ قانون چک بنابراین با عنایت به شرایط اجابت خواسته و احراز تعهد عرفی و قانونی خواندگان به ثبت چکهای فوق در سامانه صیاد به استناد ماده ۲۲۰ قانون مدنی و مواد ۳۰۴ و تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون چک و مواد ۱۹۸، ۱۵۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی خواندگان غیر از بانک ملت را به ثبت دو فقره چکهای فوق در سامانه صیاد ملزم می سازد ...»

۲-۱-۲- نمونه دوم

نمونه دوم مربوط است به دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۳۶۵۷۴۹۸، شعبه ۱۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران، ۲۱ خرداد ۱۴۰۳:

[«... نظر به این که اولاً چک وسیله پرداخت است و صدور چک اماره بر بدهکاری و تعهد به پرداخت دین است ... ثانیاً در ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک گرچه لزوم ثبت صدور چک در سامانه بیان شده است ولی قانون گذار صریحاً از خروج سند از مصداق چک سخن نگفته و صرفاً بیان می کند که مشمول این مقررات نبوده و بانک دارنده را مالک نمی شناسد ... ثانیاً در تبصره ماده ۲۱ مکرر قانون اخیر الذکر قید شده است که در متن چک عبارت خاصی نوشته شود که به این شرح است «صدور و پشت نویسی چک بدون درج در سامانه فاقد اعتبار است.»] این عبارت نشان می دهد که صدور چک قبل از درج در سامانه است. به عبارت دیگر یک مرحله صدور وجود دارد و یک مرحله ثبت صدور. آن چه در سامانه ثبت می شود صدور محسوب نمی شود بلکه صرفاً ثبت صدور است ... ثالثاً صدور چک یک عمل حقوقی است که متشکل از نگارش و امضای سند و تحویل آن به دارنده و قبول آن از سوی دارنده است ... مقررات ماده ۲۲۰ قانون مدنی در خصوص این توافق جاری است ... همچنین طبق ماده ۲۲۵ متعارف بودن امر در عرف و عادت به منزله ذکر در قرارداد است ... بر این اساس به نظر می رسد که صدور چک متضمن یک تعهد ضمنی به ثبت در سامانه

باشد ... همانگونه که قانون ثبت اسناد و املاک وجود سند رسمی مالکیت را اماره بر مالکیت شخص و لزوم اعتبار دهی به این سند از سوی مراجع دولتی و قضایی می داند، مقررات چک نیز همین امر را بیان می کند ... اصول حاکم بر قانون ثبت و این که دعوی الزام به تنظیم سند رسمی قابل پذیرش است در موضوع حاضر نیز می تواند مورد توجه قرار گیرد ... در خصوص نفع خواهان در طرح این دعوا می توان گفت که الزام خوانده به ثبت در سامانه ... خواهان می تواند از مزایای قانون صدور چک از جمله خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید و اجرائیه مستقیم بهره مند شود ...»

۲-۲- آراء مخالف با قابلیت استماع دعوی الزام به ثبت چک

در مقابل، دسته ای دیگر از محاکم بدوی و تجدیدنظر، با استناد به چارچوبهای شکلی و تفسیری خاص خود، دعوی الزام به ثبت چک در سامانه صیاد را قابل استماع ندانسته و قرار رد یا عدم استماع صادر کرده اند. این آراء با تاکید بر محدودیتهای ناشی از سکوت قانون، ماهیت حقوقی خاص چک صیادی، و حدود اختیارات محاکم در الزام به ایجاد یا تکمیل اسناد، استدلال کرده اند که امکان رسیدگی قضایی به چنین خواسته ای وجود ندارد. در این روی کرد، تمرکز بیشتر بر عدم وجود مستند قانونی صریح و ناهماهنگی خواسته با ساختار تشریفاتی چک صیادی است. نمونه هایی از این دیدگاه نیز در ادامه خواهد آمد و تحلیل دقیق تر آنها، در بخش بعدی مقاله صورت خواهد گرفت^۱.

۱-۲-۲- نمونه اول

نمونه اول مربوط است به دادنامه شماره ۶۴۵۵ - ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی عدالت تهران

«... ادعای خواهان، با توجه به جریان پرونده و دفاعیات خوانده، در مرحله ثبوت حق ماهوی از منظر حقوق تعیین کننده، اساساً مردود است؛ زیرا اصلاحات قانون صدور چک

^۱ همان گونه که سابقاً ذکر شد، به دلیل طولانی بودن متن دادنامه ها، صرفاً بخشهای مهم و مرتبط با موضوع درج شده و استفاده از علامت «...» در متن، نشان دهنده تقطیع دادنامه اصلی است.

در سال یک هزار و سیصد و نود هفت و سال هزار و چهارصد، ماهیت فرایند صدور چک را تغییر داده است؛ به گونه ای که برگه چک تا زمانی که مطابق قانون صادر نشده باشد، سند تجاری محسوب نمی شود ... از سوی دیگر، اصلاحات ماده بیست و یک مکرر شامل مرحله پیش از صدور چک است، زیرا صدور قانونی چک تنها با ثبت برگه در سامانه صیاد به نام دارنده امکان پذیر است ... دریافت برگه چک بدون ثبت در سامانه صیاد نه تنها صدور چک مطابق قانون نیست، بلکه سند تجاری نیز محسوب نمی شود ... در صورتی که چک در سامانه ثبت نشده باشد، برابر قانون صادر نشده و مشمول قانون صدور چک نخواهد بود. به همین دلیل، صدور گواهی عدم پرداخت یا واخواست آن توسط بانکها ممکن نیست. همچنین بانکها موظف اند از پرداخت وجه این نوع چکها خودداری کنند، حتی در صورت وجود موجودی کافی. با این وصف هدف اصلاحات قانون، مسؤولیت پذیر کردن دارنده چک به معنای عام است، زیرا قانون به طور مستقیم دریافت کننده را خطاب قرار داده و اعلام می دارد که دریافت برگه چک بدون ثبت در سامانه را به عنوان سند تجاری شناسایی نمی کند. در نتیجه، توافق شفاهی، کتبی، ضمنی یا صریح طرفین مبنی بر تعهد صادرکننده به ثبت چک در سامانه پس از صدور فیزیکی آن، مخالف صریح قانون و فاقد اعتبار است. بر این اساس، دعوی خواهان برای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد در واقع به معنای الزام صاحب حساب به صدور مجدد چک مطابق قانون است؛ اما در این وضعیت، دریافت کننده که برگه چک را بدون ثبت در سامانه دریافت کرده، بر اساس قاعده اقدام، خود را از دارا شدن سند تجاری و مزایای آن محروم کرده است. به همین دلیل، طبق اصول حقوقی «منع استناد به عمل خلاف قانون خود در مقام ادعا و دفاع» و «حق از خطا تولید نمی شود»، خواهان به عنوان دریافت کننده ای که مطابق قانون عمل نکرده و ممنوعیت قانونی را نادیده گرفته است، حقی بر عهده خوانده برای صدور مجدد چک از طریق ثبت در سامانه صیاد را ندارد و اثر الزام قانونی برای ثبت برگه چک در این شرایط نیز وجود ندارد [«...»]

۲-۲-۲- نمونه دوم

نمونه دوم مربوط است به دادنامه شماره ۶۹۳۲ - ۱۴۰۳/۷/۳۰ شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی شهریار

«... با بررسی اوراق پرونده و اظهارات خواهان و دادخواست تقدیمی و نظر به این که ثبت چک از حقوق صادرکننده است، چراکه ثبت سبب انتقال چک و بار شدن آثار تجاری بدان است و نمی‌توان صادرکننده را ملزم به این تعهد بدون رضایت وی نمود بر فرض وجود رابطه قراردادی میان دو طرف و وجود دین برای صادرکننده چک اعطای چک به خواهان تغییر نحوه پرداخت وجه است و این تغییر بدون توافق طرفین امکان‌پذیر نیست و عدم ثبت چک دلالت بر عدم رضایت دارد و نشان‌گر این امر است که صادرکننده نمی‌خواهد آثار و امتیازات اسناد تجاری به نفع دارنده به وجود آید، لذا دادگاه خواسته خواهان را مقرون به صحت ندانسته و مستندا به مواد ۲۱۹ قانون مدنی و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوای خواهان صادر و اعلام می‌نماید...»

۳- تحلیل و بررسی رویه قضایی موجود

با توجه به اختلاف نظرهای قابل توجه در آراء صادر شده از محاکم استان تهران پیرامون قابلیت استماع و ماهیت دعوای «الزام به ثبت چک در سامانه صیاد»، تحلیل این رویه‌های قضایی برای تبیین صحیح جایگاه حقوقی این نوع دعوی ضروری به نظر می‌رسد. آراء ذکر شده در بخش پیشین، هرچند تنها نمونه‌ای محدود از رویه موجود در سطح کشور است، اما به خوبی نمایان‌گر دو گرایش عمده در مواجهه با این نوع دعاوی است؛ بخشی از دادگاهها، چنین دعوایی را پذیرفته‌اند، در حالی که بخشی دیگر، دعوی الزام به ثبت چک را فاقد مبنای حقوقی دانسته‌اند.

از آن جا که این آراء بعضا با استناد به مبانی حقوق مدنی، قانون صدور چک، آیین دادرسی مدنی، و حتی اصول کلی حقوقی توجیه شده‌اند، لازم است مجموعه‌ای از مولفه‌های تحلیلی در نظر گرفته شود تا بتوان این رویه‌ها را با نگاهی نظام‌مند ارزیابی کرد. از جمله این مولفه‌ها می‌توان به ماهیت حقوقی «ثبت در سامانه صیاد»، امکان برداشت تعهد ضمنی یا صریح نسبت به آن، نسبت این دعاوی با اصول دادرسی و قابلیت استماع، تحلیل

فقهی و تطبیقی در خصوص مفهوم سند و الزام، و در نهایت، آثار عملی پذیرش یا رد این نوع دعوی اشاره کرد.

بخشهای آتی مقاله بر پایه این مولفه‌ها تنظیم شده‌اند تا بتوان از خلال آنها، به ارزیابی علمی استدلالهای مطرح در آراء موافق و مخالف پرداخت و در نهایت، رویکردهای ممکن در مواجهه با چنین دعاوی را به شکلی نظری و مستدل صورت بندی کرد.

۱-۳- ماهیت حقوقی چک ثبت نشده در سامانه صیاد

با اجرای کامل ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک و الزام قانونی به ثبت چک در سامانه صیاد، نظم جدیدی بر حیات حقوقی چک در نظام حقوقی ایران حاکم شده است. مطابق این تحول، صدور چک در غیاب ثبت در سامانه، ضمن برخورداری از محدودیتهای بانکی، پرسشهایی را نیز در خصوص ماهیت حقوقی چنین برگه‌ای پدید آورده است. این که چک فاقد ثبت، واجد وصف سند تجاری است یا نه، صرفاً یک مسأله شکلی نیست، بلکه به ریشه‌های مفهومی «سند تجاری» و نیز تمایز آن با اسناد مدنی بازمی‌گردد.

ماده ۲ قانون صدور چک، از قدیم، هر برگه‌ای را که متضمن دستور پرداخت مبلغی در وجه حامل یا شخص معین باشد، «چک» می‌دانست؛ بی‌آن که به نحوه صدور یا ثبت آن اشاره کند. اما با الحاق ماده ۲۱ مکرر و تبصره‌های آن، چنین برگه‌ای اگر بدون درج در سامانه صیاد صادر شود، از شمول قانون صدور چک خارج شده و مزایای قانونی چک را از دست می‌دهد. بویژه آن که عبارت الزام آور «فاقد اعتبار است» در همه برگه‌های رسمی چاپی درج شده است. این تغییر مضافاً بر حیث بانکی، از حیث ماهوی نیز قابل توجه است. اکنون پرسش این است: آیا برگه‌ای که الزامات ماهوی قانونی برای صدور را ندارد، می‌تواند همچنان سند تجاری تلقی شود؟

پاسخ منفی است. در نظام فعلی، صدور چک به معنای قانونی آن صرفاً زمانی تحقق می‌یابد که فرآیند ثبت نیز کامل شده باشد. به عبارتی، ثبت در سامانه، نه قاعده تکمیلی،^۱

^۱ قاعده تکمیلی به قاعده‌ای گفته می‌شود که رعایت آن فقط در صورتی لازم است که اشخاص در انتخاب راه حل دیگری توافق نکرده باشند. این دسته از قواعد در برابر قواعد امری قرار می‌گیرند که رعایت آنها به طور مطلق الزامی است و هیچ‌گونه توافقی نمی‌تواند مانع اجرای آنها شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۱۹۲)

بلکه جزئی از فرآیند ماهوی صدور است؛ و بدون آن، سند صادرشده صرفاً در حد یک برگه واجد امضا و مبلغ است، نه یک سند تجاری واجد امتیازات ویژه. افزون بر این، در مقام مقایسه، می‌توان از مواد مختلف از جمله ماده ۲۱ مکرر، تفکیک میان «چک ثبت نشده» و «چک قانونی» را استنباط کرد. ثبت، شرط تحقق وضعیت حقوقی است که بتواند منجر به بهره‌مندی دارنده از مزایایی همچون صدور اجراییه، برخورداری از خسارت تاخیر تادیه، امکان تامین خواسته، و مسؤولیت تضامنی ظهرنویسان شود.

در نتیجه، چک ثبت نشده نه تنها امتیازات اسناد تجاری را ندارد، بلکه نمی‌توان آن را داخل در مفهوم عرفی و قانونی سند تجاری دانست. این استنتاج با تحلیل‌های مبتنی بر اصول فقهی نیز تقویت می‌شود. چرا که در فقه امامیه، اسناد عادی اگر فاقد شرایط اثباتی یا الزامات قانونی باشند، اعتبار ذاتی ندارند و باید به کمک امارات یا سایر ادله اعتبارسنجی شوند؛ (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰، ۲۴۹) بنابراین، عدم ثبت در سامانه، کاشف از عدم تحقق ارکان قانونی سند تجاری خواهد بود.

در این راستا، اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز با صدور نظرهای متعدد، چک فاقد ثبت را خارج از شمول قانون صدور چک دانسته است (نظرهای مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۰۵۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ و ۷/۱۴۰۲/۷۵۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۶). در این نظرها، بر اهمیت تحقق ثبت برای اعتبار سند تاکید شده و تصریح دارد که بدون ثبت، هیچ یک از امتیازات اسناد تجاری قابل اعمال نخواهد بود.

با در نظر گرفتن تمامی این مولفه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که چک فاقد ثبت در سامانه صیاد، واجد وصف سند مدنی است. چنین سندی ممکن است در چهارچوب ادله اثبات دعوا معتبر باشد، اما هیچ یک از آثار شکلی و ضمانت اجرای خاص سند تجاری را ندارد. بنابراین، دعوایی که بر این مبنا اقامه می‌شوند، باید با در نظر گرفتن ویژگیهای اسناد مدنی طرح و بررسی شوند، نه اسناد تجاری.

۲-۳- بررسی آیینی عمل ثبت در سامانه صیاد

پس از بررسی ماهیت حقوقی چک فاقد ثبت در سامانه و در نظر گرفتن آن به عنوان یک سند مدنی، اکنون باید از منظر آیینی به جایگاه «ثبت در سامانه صیاد» پرداخته شود. آیا این عمل، در نظام حقوقی ایران صرفاً یک تشریفات اجرایی^۱ است یا دارای آثار ماهوی و شکلی در دادرسی نیز هست؟ پاسخ به این پرسش، نقشی اساسی در تعیین مسیر حقوقی دعوای «الزام به ثبت چک» دارد.

در ابتدا باید اشاره کرد که عمل ثبت چک در سامانه صیاد از جنس اقداماتی است که بین دو حوزه تقنین و اجرا قرار می گیرد. به بیان دقیق تر، هرچند ثبت در سامانه از نظر ظاهری، عملی اجرایی و اداری تلقی می شود، اما آثار آن بر قابلیت استماع دعوی، مسؤولیت ها، و امتیازات ناشی از چک به گونه ای است که واجد ماهیت آیینی شده است. برای مثال، طبق ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، بدون ثبت در سامانه، «بانکها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند» و دارنده نیز از بسیاری از حقوق قانونی مانند دریافت اجرائیه یا اخذ تامین خواسته، محروم می ماند. همین نکته نشان دهنده آن است که «ثبت»، شرط قابلیت استفاده از ساختار حقوقی و دادرسی در قبال چک است.

یکی دیگر از نکات قابل بحث، توجه به وظیفه دادگاه در رعایت الزامات قانونی و تشریفات شکلی دادرسی است. در چارچوب قواعد آیین دادرسی، قاضی مکلف است دعوا را تنها زمانی مورد رسیدگی قرار دهد که شرایط شکلی آن مهیا باشد. به عبارت دیگر، اگر در قوانین موضوعه یا رویه های قانونی، اقدامی خاص (مانند ثبت چک در سامانه صیاد) به عنوان شرط لازم برای شکل گیری یا قابلیت استماع دعوا پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند با نادیده گرفتن این شرط، دعوا را وارد رسیدگی ماهوی کند. در این فرض، موضوع به درستی در قلمرو موانع آیینی قرار می گیرد، نه در ماهیت حق. از همین منظر، برخی دادگاهها با تلقی ثبت در سامانه صیاد به عنوان اقدامی تشریفاتی و الزامی برای فعال سازی حقوق ناشی از چک، دعوای الزام به ثبت را غیرقابل استماع دانسته اند؛ چراکه

^۱ هرچه که بر تراضی طرفین در عقود، از سوی قانون افزون شود. مانند تشریفات صدور برات در قانون تجارت

(جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۲۲۳)

معتقدند در نبود این شرط، چکی به معنای قانونی آن وجود ندارد. در نقطه مقابل نیز، برخی دیگر از محاکم، استناد به قواعد دادرسی از جمله اصل قابل استماع بودن دعاوی را محور قرار داده و صرف عدم ثبت را مانع رسیدگی ندانسته‌اند. اما آن چه مسلم است، قاضی صرفاً در صورتی مکلف به رسیدگی است که دعوا در چارچوب قانون و منطبق با شرایط شکلی آن مطرح شده باشد و نه در فقدان شرطهای قانونی که خود می‌تواند مانع مشروع رسیدگی تلقی شود. این جاست که مفهوم «ثبت» در سامانه، به عنوان بخشی از شکل قانونی صدور چک، در مسیر تحلیل آیینی جای می‌گیرد.

از سوی دیگر، برخی رویه‌های قضایی (همانند دادنامه شماره ۶۹۳۲ - ۱۴۰۳/۷/۳۰ شعبه ۸ دادگاه عمومی شهریار) بر این باورند که در غیاب ثبت، چک فاقد وصف تجاری است و خواهان صرفاً می‌تواند به استناد سایر ادله - نظیر اقرار یا شهادت - اقدام کند. چنین نگاهی عمل ثبت را در زمره ارکان آیینی لازم برای تحقق عنوان «چک تجاری» قلمداد می‌کند؛ بدین معنا که بدون آن، عنوان سند تجاری، فاقد بار حقوقی و شکلی است.

از همین منظر، دعوای الزام به ثبت چک در سامانه نیز باید تحت ضوابط شکلی مورد بررسی قرار گیرد. به بیان دیگر، اگر ثبت در سامانه به عنوان یک مرحله پیشینی برای تحقق سند تجاری لازم باشد، دعوای الزام به ثبت را نمی‌توان با نگاهی صرفاً ماهوی یا مبتنی بر حسن نیت طرفین بررسی کرد. در واقع، این دعوا به نوعی، تلاش برای بازسازی یک روند ناقص و ناقض قانون است؛ روندی که از ابتدا باید با رعایت الزامات آیینی صورت می‌گرفته است.

در واقع، ثبت اطلاعات چک در سامانه صیاد را نمی‌توان صرفاً یک تعهد فرعی یا شرط ضمنی در روابط قراردادی تلقی کرد، بلکه این ثبت، بخشی از تشریفات لازم برای تحقق سندیت چک محسوب می‌شود. یعنی ثبت در سامانه، نه یک اقدام اختیاری یا تبعی، بلکه عنصری تشکیل دهنده از «واقعه حقوقی صدور چک» است. بدون این ثبت، چک از منظر قانونی تحقق نیافته و فاقد آثار تجاری است. (مرادی و دیگران، ۱۴۰۴، ۴۳) بنابراین، دعوای الزام به ثبت را نمی‌توان همچون دعوای مطالبه شرط فعل ضمن عقد تحلیل کرد، زیرا پیش فرض چنین تحلیلی، اعتبار اولیه خود چک است؛ حال آن که در فرض چک ثبت

نشده، با یک سند ناقص و ناتمام مواجهیم. در نتیجه، دعوای الزام به ثبت، از نظر آیینی با اشکال مواجه است؛ چراکه موضوع آن تحقق یا تکمیل یک سندی است که از ابتدا به شکل قانونی صادر نشده است، نه صرف مطالبه یک تعهد قابل استناد. به عبارت دیگر، تعهد اصلی (چک ثبت نشده) اساساً فاقد اعتبار است، پس نمی‌توان تعهد فرعی را از آن استنباط کرد و همچنین استناد به شرط فعل ضمنی در تعهد بی اعتبار از نظر اصول حقوق قراردادها مردود است.

از منظر فلسفه حقوق دادرسی نیز باید به این نکته توجه کرد که قواعد آیینی، ضامن اجرای حقوق ماهوی است و نه جای‌گزین آن. اگر قانون‌گذار، ثبت را شرط بهره‌مندی از ضمانت‌های اجرایی چک دانسته، دادگاه‌ها نمی‌توانند با توسل به اصل «قابل استماع بودن دعوا»^۱ یا «حق دسترسی به دادگاه»^۲ از این ضوابط عبور کنند.

در نتیجه، ثبت در سامانه صیاد یک عمل اداری صرف نیست بلکه به صورت عینی در ماهیت آیینی چک تاثیرگذار است. این عمل، شرط شکلی برای تحقق سازوکارهای حقوقی چک بوده و در صورت فقدان آن، نه تنها ماهیت تجاری سند تحقق نمی‌یابد، بلکه ساختار دادرسی مرتبط با آن نیز مختل خواهد شد. همچنین الزام به ثبت، در واقع نه دعوایی برای آن جام یک تعهد مستقل، بلکه تقاضای تحقق مجدد یک سندی است که اصولاً فاقد وجود حقوقی معتبر بوده است.

همچنین از منظر تحلیل نقش طرفین در شکل‌گیری تعهدات ناشی از چک، نمی‌توان مسؤولیت دارنده را در قبال پذیرش یک چک ثبت شده نادیده گرفت. در ساختار کنونی قانون صدور چک و سامانه صیاد، صادرکننده صرفاً با درج اطلاعات در سامانه می‌تواند چکی با ماهیت تجاری معتبر صادر کند، اما دارنده نیز می‌تواند با امتناع از دریافت چک فاقد ثبت، از پذیرش یک سند نامعتبر اجتناب کند. بنابراین، پذیرش داوطلبانه چک فاقد

^۱ پس از شکل‌گیری دعوا، باید اصل را بر قابل استماع بودن آن دانست، مگر در مواردی که وجود موانع قانونی صریح یا استنباط‌شده از مقررات، مانع از رسیدگی قضایی شود. (نهرینی، ۱۳۹۸، ص ۴۱۲)

^۲ حق دسترسی به دادگاه و قاضی، حقی بنیادین با پشتوانه فقهی، تاریخی و سازمانی است که تضمین‌کننده شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام قضایی است. (صفائی و درویش زاده، ۱۴۰۲، ۸)

ثبت از سوی دارنده، به معنای پذیرفتن آگاهانه یک سند مدنی و صرف نظر از امتیازات سند تجاری است. در چنین شرایطی، امکان طرح دعوا با خواسته الزام به ثبت، به نوعی تلاش برای اصلاح یک انتخاب معاملاتی نامناسب از مسیر قضایی است. این وضعیت با اصولی نظیر قاعده اقدام^۱، ممنوعیت استناد به فعل خلاف قانون خویش^۲، و لزوم شفافیت در مسئولیت قراردادی در تعارض است. در حقیقت، دارنده در این وضعیت نمی‌تواند نقش خود را از ساختار حقوقی سند تفکیک کرده و بار تمام تعهدات را بر عهده صادرکننده قرار دهد.

۳-۳- بررسی نسبت دعوای الزام به ثبت چک با نهادهای مشابه

برای تحلیل دقیق دعوای الزام به ثبت چک، ضروری است این دعوا را با نهادهای مشابهی که در حقوق ایران جایگاه تثبیت شده‌ای دارند مقایسه کنیم. از جمله مهم‌ترین این نهادها می‌توان به دعوای الزام به تنظیم سند رسمی، دعوای الزام به ایفاء تعهد خاص، و نیز الزام به آن جام تشریفات ثبت رسمی یا الکترونیک اسناد اشاره کرد. پرسش اصلی این است که آیا دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد را می‌توان ذیل یکی از این الگوهای حقوقی قرار داد یا آن که با اقتضائات متفاوتی مواجه‌ایم؟

^۱ قاعده اقدام به زیان به این معناست که یعنی هرگاه شخصی با علم و آگاهی، کاری کند که موجب ورود زیان به خود توسط دیگری شود، آن شخص دیگر مسؤول جبران خسارت نخواهد بود. فقها این عدم مسؤولیت را ناشی از اقدام می‌دانند؛ به این معنا که فرد، با اقدام خود، حرمت مال یا جان خویش را از بین برده است. در واقع، قاعده اقدام مانعی برای اجرای قواعد ضمان، مانند قاعده احترام است؛ چراکه حمایت شرع مشروط به حفظ حرمت مال از سوی مالک است، و اگر خود او حرمت مال را از بین ببرد، دیگر مشمول حمایت نخواهد بود. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲۲۱)

^۲ این اصل با اصطلاحات حقوقی متعددی در نظام‌های حقوقی مختلف مورد استناد قرار می‌گیرد و معنای گسترده‌ای دارد که هم در حقوق ماهوی و هم در آیین دادرسی قابل اعمال است. بر اساس این اصل، در برخی موارد دادگاه از استماع دعوا منع می‌شود و در مواردی دیگر ممکن است صدور حکم به نفع خواهان یا خوانده را ناممکن سازد. این قاعده با اصطلاحاتی بیان شده است که مشهورترین آنها عبارت است از: «سبب دعوا نمی‌تواند از امر نامشروع ناشی شود». (محسنی و داودی، ۱۸۷)

نخست، در قیاس با دعوای الزام به تنظیم سند رسمی، آن چه این دعوا را موجه می سازد، وجود یک تعهد پیشینی و الزام آور برای انتقال رسمی ملک یا خودرو و مانند آن است. این تعهد یا در متن قرارداد آمده یا از لوازم عرفی و قانونی قرارداد تلقی می شود و بر مبنای آن، خواهان می تواند الزام طرف مقابل را به تنظیم سند در مرجع ثبتی درخواست کند. در دعوای الزام به ثبت چک نیز مدعی چنین است که صدور چک، متضمن تعهد ضمنی یا صریح به ثبت آن در سامانه صیاد بوده و دادگاه می تواند با احراز این تعهد، حکم به ثبت صادر کند. این استدلال توسط برخی محاکم مورد پذیرش قرار گرفته و حتی با استناد به ماده ۲۲۰ قانون مدنی،^۱ ثبت چک را نتیجه طبیعی صدور آن دانسته اند.

با این حال، تفاوتی اساسی میان دو نهاد وجود دارد: در تنظیم سند رسمی، مرجع تنظیم (دفتر اسناد رسمی) صلاحیت انحصاری دارد و فقدان سند رسمی، مانع تحقق انتقال است. در حالی که در صدور چک، برگه کاغذی چک به محض امضا و تحویل به دارنده، نوعی عمل حقوقی^۲ و تعهد به پرداخت را شکل می دهد، حتی اگر فاقد ثبت در سامانه باشد. همین امر موجب شده که برخی محاکم، الزام به ثبت را ایجاد تعهدی جدید تلقی کنند، نه اجرای تعهد موجود، و از همین رو دعوا را مردود بدانند.

از سوی دیگر، مقایسه با الزام به ایفای تعهد غیرمالی یا آن جام تشریفات، مانند الزام به تسلیم مورد معامله یا الزام به درج اطلاعات در سامانه ثبت معاملات ملکی، نشان می دهد که الزام به ثبت صیادی، به نوعی در زمره تعهدات رفتاری قرار می گیرد. این تشابه، زمینه ای برای پذیرش قابلیت استماع دعوا فراهم می کند، مشروط بر آن که وجود تعهد به ثبت، از پیش محرز یا قابل اثبات باشد.

^۱ ماده ۲۲۰ قانون مدنی: عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می کند بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند.

^۲ اعمال حقوقی، گروهی از وقایع ارادی است که اثر آن با خواست مرتکب موافق است. به بیان دیگر، اراده ای است که به منظور ایجاد اثر خاص انجام می شود و حقوق نیز همان اثر مقصود را بر آن بار می کند. (کاتوزیان،

در نهایت، باید توجه داشت که استدلال ناظر به پذیرش دعوای الزام به ثبت چک، بیش از آن که ناظر به ماهیت سند تجاری باشد، به اصول کلی وفای به عهد، حسن نیت در اجرای قراردادهای و الزامات عرفی برمی گردد. از این رو، مقایسه با نهادهای مشابه، گرچه مفید است، اما نباید منجر به ساده سازی مسأله شود. ماهیت خاص چک به عنوان سندی دوگانه - هم ابزاری برای پرداخت و هم ابزار اثبات دین - اقتضا می کند که ویژگیهای اختصاصی آن در تحلیل های حقوقی نادیده گرفته نشود.

۴- بررسی آثار پذیرش یا رد دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد

بررسی آثار پذیرش یا رد دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، فراتر از یک بحث شکلی آیینی است. این مسأله، مستقیماً به بنیادهای امنیت حقوقی در معاملات مالی، نظم عمومی اقتصادی و کارآمدی نظام بانکی کشور مربوط می شود. از این منظر، دادگاهها با تصمیم گیری درباره قابلیت استماع یا عدم استماع این دعوا، عملاً در حال تعیین حدود و ثغور یک سیاست عمومی مالی - حقوقی اند که آثار میان مدت و بلندمدت آن بر اعتماد عمومی به ابزار چک بسیار جدی است.

۱-۴- در صورت پذیرش دعوا

پذیرش دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، اگرچه ممکن است در ظاهر به نفع دارنده چک و تسهیل در بهره مندی از امتیازات قانونی قانون صدور چک تعبیر شود، اما در عمق خود، متضمن مخاطرات جدی برای ساختار حقوقی تعهدات، امنیت حقوقی روابط معاملاتی، و ثبات نظام بانکی است.

۱-۴-۱- چنین برداشتی با منطق حاکم بر ساختار تعهدات در حقوق مدنی و تجاری در تعارض است. ثبت چک در سامانه صیاد امری است ماهیتاً قائم به اراده صادرکننده و در صورت نبود توافق قبلی یا تعهد صریح، نمی توان دادگاه را به صدور حکمی مبنی بر الزام به آن جام آن ملزم کرد. پذیرش دعوای الزام به ثبت به معنای تحمیل تعهدی بر شخصی است که نسبت به آن هیچ توافق یا مسؤولیت قانونی تصریح شده ای ندارد. این امر با اصول

مسلم حاکم بر قراردادهای، از جمله اصل حاکمیت اراده^۱ ناسازگار است. از نظر حقوقی، حتی در فرض احراز دین، صدور چک، صرفاً شیوه‌ای برای پرداخت آن است؛ نه آن‌که الزام به صدور یا ثبت، فی‌نفسه تعهد باشد.

۲-۱-۴- پذیرش چنین دعوائی با فلسفه و هدف اصلی سامانه صیاد نیز در تضاد قرار می‌گیرد. قانون‌گذار از طریق طراحی سامانه، خواسته است صدور چکهای صوری و غیرقابل پیگیری را کنترل کند و سازوکاری شفاف برای تنظیم روابط بین صادرکننده و دارنده فراهم آورد. در این چارچوب، چکی که بدون ثبت صادر شده، به صورت تعمدی یا ناشی از توافق طرفین، از دایره مزایای خاص خارج است. اما چنانچه دادگاهها صادرکننده را ملزم به ثبت چک کنند، به نوعی امکان سوءاستفاده از سامانه فراهم شده و کارکرد آن در جهت تحقق خواسته‌های غیرمنطبق با نظام حقوقی قراردادها منحرف می‌شود. به عبارت دیگر، با پذیرش این دعوا، سامانه صیاد دیگر ابزاری برای پیشگیری از جعل و تقلب نخواهد بود، بلکه در برخی موارد می‌تواند به ابزار اجبار برای تحمیل تعهدات اثبات نشده تبدیل شود.

۳-۱-۴- از منظر آیینی و دادرسی، پذیرش دعوای الزام به ثبت، موجب تداخل آشکار مفاهیم شکلی و ماهوی در رسیدگیهای قضایی می‌شود. ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، صرفاً عدم ثبت را موجب عدم امکان کارسازی بانکی دانسته است، نه این‌که عدم ثبت را سبب بی‌اعتباری یا ضمانت اجرای قضایی برای صدور حکم الزام تلقی کند. بنابراین، دادگاهها بدون مبنا و مستند قانونی، در معرض صدور حکم نسبت به فعلی قرار می‌گیرند که به تصریح قانون، تنها از طریق اراده آزاد صادرکننده و در قالب تشریفاتی اداری قابل تحقق است. این امر، علاوه بر تهدید استقلال اراده افراد، دادرسی را از مسیر حقوقی خود خارج می‌کند و با پذیرش دعوی فاقد مبنای تعهدی، فرایند «رسیدگی صرف به دعوی مستند» را خدشه‌دار می‌سازد.

۴-۱-۴- چنین رویه‌ای در عمل منجر به برهم خوردن موازنه حقوقی بین طرفین معاملات خواهد شد. اگر دارنده‌ای بتواند بدون احراز تعهد یا توافق، الزام صادرکننده را به ثبت چک

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (کریمی، عباس و دیگران، ۱۴۰۴)

مطالبه کند، موازنه ابزارهای قراردادی و تجاری به ضرر صادرکننده به هم می‌خورد. این مسأله خصوصاً در مواردی که صدور چک از نوع تضمینی یا امانی است، آثار مخرب‌تری دارد؛ چراکه دارنده، در پوشش دعوای الزام به ثبت، می‌تواند مزایای چکهای معاملاتی را به چکهای ضمانتی و امانی تحمیل کند؛ امری که با ماهیت انواع چک در تعارض است. مع الوصف، رویه قضایی مبتنی بر پذیرش این نوع دعاوی، می‌تواند سبب بروز نوسانات شدید در رفتار بانکها، شرکتها، و فعالان اقتصادی شود. در فضایی که هر دادگاه ممکن است برداشت متفاوتی از قابلیت استماع چنین دعوایی داشته باشد، پیش‌بینی‌پذیری قراردادهای کاهش می‌یابد و ریسک حقوقی معاملات افزایش می‌یابد. چنین بی‌ثباتی در احکام، خلاف اهداف قانون صدور چک و الزامات راهبردی بانک مرکزی برای ساماندهی ابزارهای پرداخت غیرنقدی است. بر این اساس، از منظر ساختاری، آیینی و عملی، پذیرش دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، فاقد مبنای حقوقی معتبر است و با پی‌آمدهای حقوقی و اقتصادی قابل توجهی همراه خواهد بود. بنابراین، رویه مطلوب و منطبق با اصول حقوقی، رد اینگونه دعاوی توسط محاکم است، مگر آن‌که تعهد به ثبت، به صورت صریح یا ضمنی و مستند به دلیل معتبر، در رابطه قراردادی طرفین احراز شود.

۴-۲- در صورت رد دعوا

برخلاف فرض پیشین مبنی بر پذیرش دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، در این بخش نشان داده می‌شود که رد این دعوا ضمن دارا بودن بنیان محکم حقوقی و آیینی، نسبت به پذیرش آن، مفاسد کمتری دربردارد و بهتر با نظام حقوقی ایران و هدف قانون‌گذار در اصلاح ساختار چک منطبق است. برخلاف تصور اولیه، حذف امکان طرح چنین دعوایی علاوه بر این‌که موجب کاهش حمایت از دارنده نمی‌شود، بلکه از تحمیل تعهدات غیرمبتنی بر قرارداد جلوگیری کرده، تعادل حقوقی در روابط مدنی و تجاری را حفظ می‌کند.

۴-۲-۱- یکی از مهم‌ترین دلایل در تایید رد این دعوا، پرهیز از تولید تکلیف قضایی از دل سکوت قانونی است. پذیرش این دعوا متکی بر استنباطی است که فرض می‌کند صرف صدور چک، خود به خود، تعهدی ضمنی برای ثبت در سامانه ایجاد می‌کند. اما در

هیچ یک از مواد قانونی مربوط به صدور چک، چنین تعهدی تصریح یا حتی تلویحا تایید نشده است. رد دعوا، مانع توسعه نامشروع مفاد عقود می شود و اصول سنتی حقوق تعهدات را در برابر تحمیل تکالیف نانوشته حفظ می کند.

۲-۲-۴- یکی دیگر از مزایای رد دعوا آن است که اشخاص را به تنظیم قراردادهای صریح تر و شفاف تر سوق می دهد. اگر دارنده چک نیازمند ثبت در سامانه صیاد است، باید این امر را در قرارداد خود با صادرکننده شرط کند یا از صدور چک بدون ثبت خودداری کند. بنابراین، پذیرش این دعوا به نوعی تسهیل در اهمال دارنده است و نظام را از رفتارهای محتاطانه به سمت سهل انگاری سوق می دهد. در مقابل، رد دعوا دارنده را تشویق می کند که پیش از تحویل گرفتن چک، ثبت آن را کنترل کند و از ابزارهای قانونی دیگری برای صیانت از حقوق خود استفاده نماید. چنین روی کردی به جای حمایت غیر حقوقی از دارنده، او را به رعایت سازوکارهای دقیق قانون هدایت می کند.

۳-۲-۴- در نظام فعلی، سامانه صیاد ابزار نظارتی و ثبتی برای تسهیل اجرای چک است؛ نه عنصری ماهوی از ایجاد تعهد. پذیرش دعوای الزام به ثبت، این سامانه را از جایگاه ابزاری خارج می سازد و به رکن تولید تعهد تبدیل می کند. اما رد دعوا به درستی تمایز بین «نظام ثبت» و «ایجاد دین» را حفظ می کند. این تمایز از نظر امنیت حقوقی نیز مهم است. و همان گونه که گفته شد، اگر سامانه صیاد به محل ایجاد الزام حقوقی بدل شود، هرگونه ورود یا عدم ورود اطلاعات در آن، می تواند منشا دعوی باشد. رد این دعوا، جلوی این مسیر خطرناک را می گیرد و از خلق پرونده های بی پایه و هزینه زا برای دستگاه قضایی جلوگیری می کند.

۴-۲-۴- قانون گذار با اصلاحات قانون صدور چک و ایجاد سامانه صیاد، قصد داشته است صدور چکهای بدون ثبت را بی اعتبار سازد تا از ابتدا کنترل شود، نه این که بعدا با اجبار قضایی آن را معتبر کنیم. پذیرش دعوا، با تبدیل چک غیرقانونی به چک معتبر از مسیر قضایی، فلسفه قانون را نقض می کند. اما رد این دعوا، با حفظ مکانیسم بازدارندگی سامانه، سیاست قانون گذار در پیشگیری را تقویت می کند. این سیاست بویژه در کاهش

چکهای بی‌محل، جلوگیری از سوءاستفاده‌های قراردادی، و تنظیم دقیق‌تر روابط معاملاتی بسیار موثر است. در نتیجه می‌توان گفت که رد دعوای الزام به ثبت چک، مضاف بر این‌که موجب حذف حمایت‌های منطقی از دارنده نمی‌شود، بلکه با هدایت طرفین به مسیرهای دقیق‌تر، شفاف‌تر و متکی بر اراده مشترک، موجب تثبیت یک نظم حقوقی سالم، جلوگیری از خلق تعهدات نانوشته، کاهش بار دستگاه قضایی، و جلوگیری از تبعات اجرای معکوس قانون خواهد شد. این روی‌کرد، برخلاف تصور رایج، نه نشانه خلا حمایت، بلکه نشانگر بلوغ سیستم قضایی در تمایز میان تکلیف و توصیه است.



نتیجه گیری

با بررسی نمونه هایی از اختلافهای موجود در رویه قضایی دادگستری استان تهران در خصوص دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، مشخص شد که محاکم در تحلیل مبنای حقوقی چنین دعوایی، به دو رویکرد کاملاً متعارض گرایش یافته اند. در یک سو، برخی دادگاهها با استناد به عرف معاملاتی، تعهدات ضمنی، و قیاس با دعوای مشابه نظیر الزام به تنظیم سند رسمی، این دعوا را قابل استماع دانسته و حکم به الزام صادرکننده به ثبت چک صادر کرده اند. در سوی دیگر، شماری از محاکم با استناد به تحلیل شکلی و ساختاری از فرآیند ثبت در سامانه صیاد، فقدان نص قانونی صریح برای الزام، و تمایز ماهوی میان صدور چک و ثبت آن، چنین دعوایی را قابل رسیدگی نشناخته اند.

در این پژوهش ثابت شد که چک ثبت نشده، به دلیل فقدان عنصر شکلی ثبت، واجد ویژگیهای اسناد تجاری نبوده و فاقد مزایای آن است و تنها در حد یک سند مدنی تلقی می شود. از همین رو، دعوای الزام به ثبت آن نیز ضمن ناسازگاری با اصول بنیادین آیین دادرسی مدنی، منجر به دخالت ناروا در حیطه حاکمیت اراده، بی اعتبار شدن امضای سند، تضعیف امنیت حقوقی معاملات و بی اثر کردن مقررات خاص قانون صدور چک خواهد شد. همچنین، مقایسه این دعوا با دعوای الزام به تنظیم سند رسمی نیز از اساس نادرست است؛ چرا که آن دعوا ناظر به اسناد رسمی است که مفروض بر قابلیت ثبت و اعتبار ثبتی است، در حالی که دعوای حاضر، ناظر به اقدامی است که اصلاً تحقق آن بدون اراده مستقل صادرکننده ممکن نیست.

افزون بر این، پذیرش این نوع دعوای از سوی دادگاهها، باب ورود به بسیاری از دعوای مشابه بدون مبنای روشن قانونی را خواهد گشود که با اصول پیش بینی پذیری دادرسی، امنیت معاملات و ساختار منسجم قانون گذاری در تعارض آشکار است. از این رو، رجحان با رد چنین دعوای است؛ امری که از منظر سیاست گذاری قضایی و ملاحظات بانکی نیز مطلوب تر خواهد بود.

بر این اساس، ضرورت دارد که دیوان عالی کشور در مقام رفع تعارض و در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، با صدور رأی وحدت رویه، به صورت صریح، مبنای تحلیل این دعوا را روشن ساخته و مانع از استمرار برداشتهای متفاوت و متناقض در نظام قضایی کشور شود.



فهرست منابع

الف) قوانین

۱. قانون آیین دادرسی کیفری
۲. قانون آیین دادرسی مدنی
۳. قانون صدور چک

ب) کتب

۴. قرآن کریم
۵. ارسطا، محمد جواد (۱۳۸۷)، سلسله پژوهشهای فقهی-حقوقی (جلد هشتم): اعتبار سند و تعارض آن با ادله دیگر در حقوق ایران و فقه امامیه، چاپ اول، تهران: قضا.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش
۷. دارابپور، مهرباب (۱۳۹۱)، قواعد عمومی (حقوق تجارت و معاملات بازرگانی)، چاپ اول، تهران: جنگل.
۸. شمس، عبدالله (۱۳۸۹)، ادله اثبات دعوا (حقوق ماهوی و شکلی)، چاپ هشتم، تهران: دراک.
۹. صادقی نشاط، امیر (۱۳۹۴)، حقوق تجارت الکترونیک، چاپ اول، تهران: جنگل.
۱۰. عبدی پور، ایراهیم (۱۳۹۵)، حقوق تجارت (اسناد تجارتي)، جلد سوم، چاپ دوم، تهران مجد
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، اثبات و دلیل اثبات (جلد اول): قواعد عمومی اثبات - اقرار و سند، چاپ ششم، تهران: میزان.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، فلسفه حقوق (جلد اول): تعریف و ماهیت حقوق، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار. نهرینی، فریدون (۱۳۹۸) آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران، گنج دانش
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، کلیات حقوق (نظریه عمومی)، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار
۱۴. کریمی، عباس (۱۳۹۱)، ادله اثبات دعوا، چاپ سوم، تهران، میزان
۱۵. کریمی، عباس، شریعت باقری، محمد جواد، همتی، احمد (۱۴۰۴)، گزارش کرسی علمی نقد و بررسی دادنامه دادگاه مبنی بر جایگاه اصل حاکمیت اراده در تفسیر قوانین موجد حق، چاپ اول، تهران، داد و دانش

۱۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقه، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی
۱۷. مرادی، یاسر؛ نوری، محمد (۱۴۰۱)، چک: نکات کاربردی از صدور تا پرداخت، چاپ دوم، تهران: اندیشه رشد.
۱۸. مرادی، یاسر؛ جعفری تبار، مجید؛ عباس تبار، مجید (۱۴۰۴) گزارش کرسی علمی تحلیل و بررسی رای دادگاه مبنی بر قابل استماع بودن دعوای الزام به ثبت چک، چاپ اول، تهران، داد و دانش
۱۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۰)، فرهنگ فقه (جلد اول)، چاپ سوم، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

ج) مقالات

۲۰. استا، محمدحسین؛ احمدی، مسعود و احمدی، جعفر (۱۴۰۳). بررسی جایگاه «نمی دانم» و تطبیق آن با دفاعهای دیگر از منظر حقوق ایران و فقه امامیه. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی. doi: 10.22034/law.2024.2026168.1323, 7(23), 9-33.
۲۱. شهیدی، مهدی (۱۳۴۶)، بحثی درباره چک بدون تاریخ، مجله کانون وکلا، شماره ۱۰۷
۲۲. صفائی، سید حسین؛ درویش زاده، محمد. (۱۴۰۲). فضیلت در دسترس بودن قاضی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۶(۱۸)، ۶-۹. doi: 10.22034/law.2023.705317
۲۳. محسنی، حسن؛ داودی، حسین (۱۴۰۰). اصل منع استناد به عمل خلاف قانون خود در ادعا و دفاع. مجله حقوقی دادگستری، ۸۵(۱۱۶)، ۱۸۵-۲۰۷. doi: 10.22106/jlj.2021.130304.3507
۲۴. نیک فرجام، کمال (۱۳۸۰) چک سفید امضاء و ماهیت حقوقی آن، دیدگاههای حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲

د) آراء قضایی و نظرهای مشورتی

۲۵. دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۰۱۱۰۱۳۰۰ مورخ ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ صادره از شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران؛
۲۶. دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۰۳۶۵۷۴۹۸ مورخ ۲۱ خرداد ۱۴۰۳ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

۲۷. دادنامه شماره ۱۷۳۵-۱۵۴۰۱۳۹۰۰۱۴۰۳۶۸ مورخ ۲۸ مهر ۱۴۰۳ صادره از شعبه ۱۰۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲۸. دادنامه شماره ۱۶۹۰۶۴۵۵-۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۴۰۳۶۸ مورخ ۲۶ دی ۱۴۰۳ صادره از شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی عدالت تهران؛
۲۹. دادنامه شماره ۱۲۲۹۶۹۳۲-۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۴۰۳۹۱ مورخ ۳۰ مهر ۱۴۰۳ صادره از شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی شهریار؛
۳۰. دادنامه شماره ۹۴۲۵-۱۴۰۴/۴/۸-۱۴۰۴ مورخ ۹۷ شعبه ۹۷ مجتمع قضایی عدالت
۳۱. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۰۵۰ مورخ ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه
۳۲. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۲۶۱ مورخ ۴ شهریور ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه
۳۳. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۹۱۵ مورخ ۲۳ آذر ۱۴۰۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه
۳۴. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۸۵۷ مورخ ۱۸ بهمن ۱۴۰۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه
۳۵. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۹۷۰ مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه
۳۶. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۰۰۹ مورخ ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه
۳۷. نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۷۵۳ مورخ ۱۶ دی ۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه